

اثبات یگانگی خدا

از راه علوم تجربی و فطرت

علوم طبیعی در راه اثبات یگانگی خداوند بما
کمکهای شایانی میکنند - نظام واحد عالم هستی
نشانه یگانگی آفریدگار جهان است - شعور باطن و
فطرت نیز در این راه بما کمک میدهند - يك گفتار
جالب از امام صادق (ع)

نباید فراموش کنیم که ما خدا را از دریچه های گوناگون دیدیم و برای پی بردن
بوجود او از راههای مختلف وارد شدیم ، بنابراین برای آشناسدن بصفات او نیز باید از همان
راهها وارد شویم ؛ یعنی : صفات خدا را باید از همان دریچه های به بینیم که اصل وجود آن
مبده بزرگ جهان آفرینش را دیدیم .

علوم طبیعی و آشنائی بزبان طبیعت بکمک این علوم ، بسیار چیزها بماند ببحث «خدا»
شناسی « آموختند ، برای پی بردن بصفات او (بدون آنکه آلوده تشبیه و قیاس صفات
آن ذات نامتناهی باین موجودات محدود و متناهی شویم) باید از همان علوم و دانشها
کمک بگیریم ، ماکه در بسیاری از قسمتها مدیون این علوم هستیم بگذارید در این قسمت هم
مدیون آنها باشیم ؛ اینها وسیله آشنائی ما با «عالم آفرینش» هستند و قسمتی از معماهای
«آفرینش» را برای ما حل کرده اند .

در شماره گذشته برای پی بردن یگانگی آن ذات پاک از دو بجه عقل نگاه کردیم و با سه نوع استدلال عقلی این حقیقت را در یافتیم که مبدء عالم هستی یگانه و یکتاست . حالا از دو بجه علوم تجربی میخواهیم بنگریم و به بینیم در این باره چه میبینیم :



ما اگر مختصری اهل تحقیق و مطالعه باشیم از مطالعه يك كتاب بخوبی میتوانیم بفهمیم يك نفر آنرا نوشته یا چند نفر . در کتابی که يك نفر نگاه داشته است یکنوع هماهنگی مخصوص در میان عبارات و جمله بندیها ، تعبیرات مختلف ، کنایات و اشارات ، عناوین و تیتراها ، طرز ورود و خروج مندرجات و خلاصه در تمام قسمتها یکنوع یکپارچگی ، وحدت ، هماهنگی بچشم میغورد چرا ؟ زیرا از ایده يك فکر و تراوش يك قلم است .

در حالی که اگر دو نفر هر کدام نیمی از يك كتاب و انالیف کنند ، هر قدر هم فکر و هم سلیقه و همدوق باشند باز در اعماق عبارات و الفاظ ؛ تشبیهات و کنایات ، طرز بحث آنها در مطالب گوناگون آثار آن بخوبی نمایان است . دلیل آنهم روشن است ، زیرا دو نفر هر چه کنند بالاخره دو نفرند و اگر تمام شرائط وجودی آنها از هر نظر یکی بود حتماً یکنفر میشوند نه دو نفر ، بنابراین بطور قطع باید در قسمتهای باهم تفاوتی داشته باشند تا بتوانند دو نفر باشند ، این اختلاف و تفاوت بطور مسلم در طرز فکر و طرز کار آنها اثر خواهد گذاشت .

مخصوصاً اگر این كتاب بزرگ و مفصل باشد و در موضوعات متنوع و گوناگونی بحث کند خیلی زودتر میتوان باین حقیقت پی برد با توجه باین مثال ساده بیایید باهم كتاب بزرگ آفرینش را ورق بزنیم ، البته این كتاب بقدری بزرگ و قطور است که مادر لا بلای کلمات و حروف آن کم می شویم ، حتی اگر تمام عمر خود را برای صفحه شماری آن مصرف کنیم باز مسلماً بجای نخواهیم رسید . ما چکار بصفحه شماری و کم و کیف آن داریم ؛ همین صفحهائی را که میتوانیم مطالعه کنیم برای ما غنیمت است .

خوشبختانه عده زیادی از متفکران بشر هر کدام گوشه ای از آنرا مطالعه کرده و نتیجه مطالعات خود را که چکیده يك عمر تلاش و زحمت آنها در راه آشنائی به صفحهائی چند از این كتاب بوده برایگان در اختیار ما گذارده اند .

ما هر چه این كتاب عجیب را ورق میزنیم در همه جا آنار يك نظم عالی ، یکنوع اتصال و هماهنگی غیر قابل توصیف در میان تمام سطورو کلمات و صفحات این كتاب میبینیم .

دانشمندان ستاره شناس بمانیگویند : ما هر چه در ناره جهان بالا ، در باره

منظومه شمسی و کهکشان خودمان و کهکشانهای دور دست که هر حساب گر ماهری از محاسبه بعد و فاصله آنها خسته میشود مطالعه کردیم، دیدیم در همه جایك سلسله قوانین مشترك حكومت میکند. قانون « علیت » قانون « جاذبه عمومی » قوانین مربوط بنور . . . در همه جا بصورت یکنواخت با کمال قدرت مشغول انجام وظیفه اند. مواد سازنده کرات دور و نزدیک بایکدیگر شباهت تام دارد و حکایت از این میکنند که روزاؤل بصورت توده واحدی بوده و بعداً باین صورت شکفت آور درآمده است.

اتم شناسان بمایکگویند: هنگامیکه دل اتم را شکافتیم و انرژی هسته ای را آزاد کردیم با مطالعات دقیق بر ما مسلم شد که این ذرات فوق العاده کوچک که اتم نام دارد؛ و تمام مواد تشکیل دهنده جهان از آن ساخته شده، ساختمان آن در همه جا کاملاً مشابه و یکنواخت است همه دارای هسته ای هستند که بار الکتریکی مثبت دارد و الکترونهایی بدور هسته آنها در گردش است که بار الکتریسته منفی دارد. تنهاتفاوت در میان اتمهای اجسام گوناگون در کمیت و تعداد الکترونها و پروتونها و نوترونهاست.

واژه شکفت آورتر اینکه همان نظم و خصوصیتی که بر منظومه شمسی ما و سایر منظومه های بزرگ آسمان حکومت میکند و همان قانون جاذبه و گر بزاز مرکز که کرات عظیم آسمانرا در مدار های ثابت خود بگردش در میآورد، الکترونها را در مدارات خود بگرد هسته اتم می گرداند، و با توجه با اینکه يك اتم بقدری کوچک است که طبق محاسبه دانشمندان صد میلیون اتم (پنج برابر جمعیت کشور ما) رامیتوان در سربك سوزن جا داد، معنی یکنواخت بودن نظام جهان بی نهایت بزرگ و بی نهایت کوچک روشن تر می شود.

فیزیکدانها بمایکگویند: قوانین این جهان بقدری هماهنگی دارد که ممکن است از يك آزمایش کوچک بی بیک قانون بزرگ در سراسر عالم طبیعت برد، بلکه بیشتر قوانین وسیع علوم طبیعی امروز زائیده همین آزمایشهای جزئی است که در آزمایشگاههای محدود و کوچکی انجام یافته است.

بیولوژیستها (حیات شناسان) میگویند: قوانین و شرایط حیات در تمام جانداران مشابه است و باهم قرابت نزدیک دارد و بسیار میشود که برای بی بردن بیک سلسله اعمال حیاتی در انسان، آزمایش لازم را روی قورباغه و موش سحرانی یا حیوان دیگری که بظاهر هیچگونه شباهتی با انسان ندارد انجام میدهم و با موفقیت در آن آزمایش، بااطمینان سراغ مطالعه آنروی انسان میرویم.

حیوان شناسان و گیاه شناسان میگویند : هنگام تشریح اندام حیوانات و گیاهان گوناگون و مقایسه آنها بیسکدیگر یکنوع شباهت غیر قابل انکار در بین انواع مختلف آنها دیده ایم و همینهاست که ما را باین فکر میاندازد که شاید همه آنها در آغاز از یک ریشه منشعب شده باشند (۱)

خلاصه بهر سو مینگریم و از هر کس سؤال میکنیم ، این حقیقت را تأیید میکنند که دوسر تا سر جهان هستی آثار وحدت و یگانگی و نظام واحد بخوبی آشکار است .
 با مشاهده این وضع خاص هیچ دانشمندی بخود اجازه نمیدهد که مبده اصلی جهان آفرینش را دوجیز بداند و این کتاب عظیم خلقت را از آثار قلمی دو خالق تصور کند ، بلکه این نظام واحد با کمال صراحت بیگانگی آفریدگاری که آنرا بوجود آورده است گواهی میدهد .



همچنین اگر ما بخواهیم از راههای پر پیچ و خم علمی صرف نظر کرده و زحمت استدلال عقلی را از مغز خود برداریم و از راه فطرت و وجدان و دل بجهت تجوی « سرچشمه هستی » برویم و خدا را از طریق شعور باطن بیابیم (چنانکه در بحث خداشناسی فطری مشروحاً گفته شد) باز بهمین نتیجه میرسیم که هستی از یک نقطه میجوشد ، و تمام این جهان پهناور وابسته بیک حقیقت و یک مبده است .

در مشکلات و گرفتاریها ، در مواقعی که حربهای برنده علل مادی کند میشود ، در دقایقی که آشکارا خود را بر لب پرنگاه مرگ میبینیم و گردش تمام علل و اسباب مادی را برخلاف میل خود مشاهده می کنیم ، آری در چنین لحظات سخت و هیجان انگیزی دلهای ما تنها بیک نقطه امید بسته میشود ، نقطه ای که تشریح قدرت و عظمت و لطف او از توانایی گفتار و قلم ما بیرون است ؛ ما هرگز در چنین حالی متوجه دو مبده نمیشویم ، بدو نقطه دل نمی بندیم ، هرگز از یکی مأیوس نشده بدیگری رونمایا داریم . یعنی دل و وجدان و شعور باطن ما هم میگویند : « خدا یکی است » !

البته ممکن است غوغای تلقینات و تریتهای غلط و گمراه کننده با سر و صدای دنیای

(۱) ما فاعلا کار بدرستی یا نادرستی این نتیجه (همه جانداران و گیاهان از یک ریشه مشتق شده اند) نداریم منظور ما توجه دادن خوانندگان گرامی بآن مقدماتی است که این فکر را بوجود آورده ، و آن همان شباهت و قرابتی است که در میان انواع مختلف جانداران و گیاهان دیده میشود .

مادی نگذارد که این ندای روح بخش بگوش عده‌ای برسد و بهمین جهت شاید بی‌مودن این راه برای همه میسر و قانع کننده نباشد ، ما هم برای این دسته پیش بینی لازم را کرده و استدلالات عقلی و علمی توحید را قبلاً تشریح نمودیم .

یک راهنمایی جالب

در کلمات پیشوایان بزرگ دین ، راهنماییهای فراوانی در بحثهای خدا شناسی و صفات خدا شده است که در پرتو نور آنها چراغ عقل مافروزانتر شده و راه را از بیراهه زودتر تشخیص میدهیم ، درست است که این مسائل مسائلی نیست که از روی تبید انسان آنها را بیابد ؛ ولی مسأله «راهنمایی عقلی و فکری» بهیچوجه جنبه تمبید ندارد ، بلکه حکم کمکهای فکری استاد فوق العاده دانشمندی را نسبت بطفل نوآموز دارد .

در کلمات پیشوای بزرگ جهان اسلام و تشیع امام صادق (ع) چنین میخوانیم : هشام بن حکم که از یاران دانشمند امام بود و مخصوصاً دورشته «عقائد و مذاهب» تبعه و وزید کی خاصی داشت از حضرتش میپرسد : ما الدلیل علی ان الله واحد ؟ : دلیل بر یگانگی خداوند چیست ؟

در پاسخ فرمود : اتصال التدبیر و تمام الصنع ! كما قال الله تعالى : «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا : یعنی : «بهم پیوستگی و دوام نظام جهان هستی و تمامیت آفرینش دلیل یگانگی اوست همانطور که خودش فرموده : اگر در سراسر زمین و آسمان جز «خداوند یگانه» آفریدگاری بود نظم آنها برهم میخورد (۱) .

این حدیث و این آیه در حقیقت همان استدلال علمی توحید را که در بالا تشریح شد پرورش میدهد و بامی فهماند که یکپارچگی و وحدت نظام جهان و دوام و برقراری آن شاهد گویای یگانگی خداست .

(۱) نقل از «توحید صدوق» . آیه‌ای که در ضمن آن ذکر شده آیه ۲۲ سوره

انبیاء است .